

دکتر اردشیر اسدبیگی^۱

استادیار، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی. مشهد، ایران.

بشیر سراجی

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

بررسی استنادی شهادت محسن بن علی (ع) در متون تاریخی اهل تسنن و تشیع

چکیده

یکی از مسائلی که در تاریخ اسلام و تاریخ تشیع به وفور مورد بحث قرار گرفته و علمای اهل تسنن و تشیع پیرامون آن قلم زده‌اند، بحث از وجود یا عدم وجود محسن بن علی بن ابی طالب (ع) است؛ در کلام و روایات شیعی و در آثار و کلام اهل تسنن درباره وی سخن گفته شده و پیرامون تولد وی علمای دو فرقه‌ی تسنن و تشیع اخباری را عنوان نموده و اطلاعاتی را به دست ما رسانده‌اند. از جمله این اطلاعات اخبار حاکی از طریقه‌ی نام‌گذاری محسن بن علی (ع) توسط پیامبر اکرم (ص)، ذکر ماجرای سقط شدن محسن (ع) در کتب تاریخی و روایی دو فرقه می باشد که صحت آن‌ها نیاز به بررسی دقیق دارد. البته اطلاعات روایی و تاریخی فراتر از این رفته و از طریقه‌ی شهادت محسن بن علی، مکان و روز شهادت، محل دفن ایشان و شاهدان ماجرا گزارش داده است. حال سؤال مهم و اصلی این است با این همه اخبار و شواهدی که به ما رسیده چگونه عده‌ای دست به انکار و تحریف تاریخ می‌زنند و رویداد حتمی تاریخ را با گزارشات غیرمستند مخدوش می‌کنند. اخباری وجود دارد که خبر سقط محسن بن علی را قبل از واقعه می‌دهند، از جمله: خبر نبی اکرم (ص) پیرامون کشته شدن محسن (ع). اخباری وجود دارد که بعد از حادثه به ما رسیده، از جمله خبر سقط در کلام حضرت زهرا (س) و ائمه معصومین، اعتراف‌های عاملان واقعه و خبر واقعه در کلام و کتب اهل تسنن و تشیع. لذا در این مقاله سعی بر این است تا با تکیه بر منابع معتبر و دسته اول دو فرقه، در حد توان اخبار تاریخی به طور دقیق تحلیل شوند و وجود محسن بن علی ع برهمگان اثبات گردد.

واژگان کلیدی:

شهادت محسن بن علی (ع)، بررسی استنادی، متون تاریخی، تسنن، تشیع.

^۱. jafar.asadbeigi@gmail.com

مقدمه

در این مقاله سعی بر این است ابتدا وجود و هویت محسن بن علی مورد بررسی قرار گیرد. هدف اصلی مقاله ابتدا اثبات وجود حضرت محسن، فرزند حضرت علی (ع) بر اساس روایات مستند شیعه و اهل تسنن است. این مسئله بدان جهت ضرورت دارد منابعی با هدف فریبکار نشان دادن شیعه، روایات سقط جنین و شهادت حضرت محسن را جعلی و ساختگی عنوان کرده و به همین شکل با تعمیم آن بسیاری از روایت شیعه در مورد شهادت ائمه اطهار را نیز صرفاً جعل تاریخ و دروغ از جانب شیعیان در جهت مظلوم نمایی قلمداد کرده‌اند. پیرامون این موضوع تاکنون چند کتاب نوشته شده که بیشتر به ذکر احادیث معصومین و سندیت آن‌ها پرداخته و از کتب تاریخی بهره‌ای نگسته‌اند. از جمله این کتاب‌ها کتاب محسن بن علی (ع) اثر علی اصغر رضوانی و غنچه یاس اثر مهدی فاطمه می‌باشد. در این باب تاکنون مقاله‌ای مستقل نوشته نشده است. لذا در این مقاله از روش توصیفی-تحلیل روایات و اخبار استفاده شده است. در این پژوهش بیش از ۱۰۰ عنوان کتاب از منابع اهل تسنن و تشیع مانند: الامامه والسیاسه، تاریخ طبری، عقدالفرید، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، کتاب سلیم، الملل و النحل، الارشاد، مروج الذهب و بسیاری از کتب دیگر مورد بررسی قرار گرفته است.

۱- محسن (ع) فرزند علی (ع) و حضرت زهرا (س)

برخی از مورخان و نویسندگان نام محسن را از فرزندان علی (ع) و فاطمه (س) ذکر کرده‌اند: ابن قتیبه (۲۷۶) در المعارف، ابوعبدا... بن منده اصفهانی (۳۰۱ هـ ق) در کتاب المعرفه، محمدبن حبان بن احمد ابی حاتم تیمی (۳۵۴ هـ ق) در الصحیح، شیخ مفید (۴۱۳ هـ ق) در الارشاد، طبری از بزرگان امامیه (۴۶۰ هـ ق) در کتاب دلائل الامامه، نسابه عمری (۴۶۰) در مناقب آل ابیطالب، ابن شهر آشوب (۵۸۸ هـ ق) در نوادر المعجزات، ابن اثیر (۶۳۰ هـ ق)، محیی الدین نووی (۶۷۶ هـ ق)، محب طبری (۶۹۴ هـ ق)، شمس الدین محمد ذهبی (۷۴۸ هـ ق)، ابن کثیر (۷۷۴ هـ ق)، قلقشندی (۸۲۱ هـ ق)، ابن حجر عسقلانی (۸۵۲ هـ ق) و همچنین شمس الدین محمدبن طولون دمشقی (۹۵۳ هـ ق)، محمدبن رسول برزنجی (۱۱۰۳ هـ ق)، علامه مجلسی در بحارالانوار، شیخ عباس قمی در منتهی الآمال و

طبری (قرن ۵) با ذکر سندی از محمدبن عماربن یاسر روایت می‌کند: «حضرت فاطمه (س) حسن را حامله شدند وقتی او به دنیا آمد چهل روز بعد حسین را حامله شدند و بعد از

حسین خداوند زینب (س) را به ایشان روزی فرمود و سپس ام کلثوم را و بعد محسن را حامله شدند». (طبری، ۱۳۸۶: ۱۰۴؛ فاطمی، ۱۳۸۶: ۱۶-۱۲) و همچنین در جای دیگر اشاره می‌کند: «فاطمه (س) برای علی، «حسن» و «حسین» را به دنیا آورده و بعد «محسن» را حامله شدند». (طبری، ۱۳۵۶: ۵۵) بدین ترتیب طبری محسن را به فاطمه (س) و علی منتسب می‌کند. ابن شهر آشوب (۵۸۸ هـ) نیز روایت کرده: «فاطمه (س) در سن دوازده سالگی حسن را به دنیا آورد فرزندان فاطمه، حسن و حسین و محسن که سقط شد هستند». (ابن شهر آشوب، ۱۳۵۶: ۳۰۴/۳؛ بدخشانی حارثی، ۱۴۰۳ ق: ۱۳۴) نسابه عمری نیز روایتی دارد که ابن شهر آشوب آن را از نسابه نقل می‌کند: «أنه وُلد من فاطمه (س) الحسن و الحسين و المحسن سقط ...» یا «حسن، حسین و محسن که سقط شد ...». (ابن شهر آشوب، ۱۳۵۶: ۸۹/۳) در کتاب مصائب حضرت زهرا ذکر شده که ابن شهر آشوب در ذکر اولاد فاطمه (س) این روایات را از المعارف نقل کرده است، ولی در چاپ‌های امروز المعارف ابن قتیبه بعد از ذکر حسن و حسین و ... به جای همانا محسن ... آمده: لکن محسن بن علی در سن کودکی به هلاکت رسید. (ابن قتیبه، بی تا، ۱۴۱۳: ۹۲؛ صفی زاده، ۱۳۸۹: ۳۱۵) ابن اثیر از ابن عباس چنین روایت می‌کند: «فاطمه همسر علی بود و برای علی حسن و حسین و محسن و زینب را به دنیا آورد». (ابن اثیر، بی تا، ۱۴۰۲: ۹/۱۲) سبط جوزی (۶۵۴) نیز در کتاب تذکره الخواص خود محسن را به فاطمه (س) منتسب می‌کند. (سبط ابن جوزی، ۱۳۸۳: ۲۱۲) شمس الدین محمد ذهبی (۷۴۸) به نقل از ابن عبدالله می‌گوید: «علی بعد از جنگ احد با فاطمه (س) ازدواج کرد و او برای علی حسن و حسین و محسن و ام کلثوم و زینب (صلوات... علیهم) را به دنیا آورد». (ذهبی، ۱۴۱۳ ق: ۱۱۹/۲) ابن حجر عسقلانی (۸۵۲) از ابن عباس روایت می‌کند: «او فاطمه سرور بانوان تمام جهانیان است. پس برای علی حسن، حسین و محسن و زینب و رقیه و ام کلثوم (س) را به دنیا آورد». (کحلانی، ۱۳۷۹: ۱۴۹/۳) علامه مجلسی نیز در بحار الانوار می‌گوید: «أن علیاً تزویج فاطمه (س) بالمدينة بعد سنة من الهجرة نبی به ما بعد ذلك به نحو من سنه. ولدت لعلی: الحسن و الحسين و المحسن». (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۴۳/۲۱۳؛ بیهقی، ۱۴۰۵ ق: ۳/۱۶۲؛ نمازی، ۱۴۱۹ ق: ۸/۲۵۵) شیخ عباس قمی می‌گوید: «مسعودی در کتاب مروج الذهب و ابن قتیبه در المعارف و نورالدین عباس موسوی شامی در کتاب ازهار بستان ناظرین آورده‌اند: محسن از فرزندان امیرالمؤمنین علی است». (قمی، عباس، منتهی الامال، قم، وحدت بخشی، ۱۳۸۶: ۱/۲۰۸) در مسند فاطمه (س) آمده است: «حملت بالحسن ... و حملت به محسن ...» (عطاردی، ۱۴۱۲ ق: ۲۹۱)

۲- ذکر وجود محسن در آثار و کلام تسنن

بسیاری از اهل سنت حضرت محسن را از اولاد حضرت علی و فاطمه (س) دانسته‌اند اینک به اسامی تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: ۱- محمد بن اسحاق (۱۵۱ هـ) در کتاب «السير و المغازی». ۲- محمد بن سعد (۲۳۱ هـ) در «الطبقات الكبرى» ۳- احمد بن حنبل (۲۴۱ هـ) در «المسند» ۴- محمد بن اسماعیل بخاری (۲۵۶ هـ) در «الآداب المفرد» ۵- ابن قتیبه (۲۷۶ هـ) در «المعارف» ۶- بلاذری (۲۷۹ هـ) در «الانساب الاشراف» ۷- ابن حیان بستی (۳۵۶ هـ) در کتاب‌های «الثقات» و «السيره النبویه» و «اخبار الخلفاء» ۸- طبرانی (۳۶۰ هـ) در «المعجم الكبير» ۹- دار قطنی (۳۸۵ هـ) بنابر نقل متقی هندی در کتاب «کنز العمال» ۱۰- حاکم نیشابوری (۴۰۵ هـ) در «المستدرک علی الصحیحین» ۱۱- محمد بن سلامه قضاعی (۴۵۴ هـ) در «الأبنا بأبنا الأنبياء» ۱۲- بیهقی (۴۵۸ هـ) در «دلائل النبوة» ۱۳- ابن ما کولا (۴۷۵ هـ) بنابر نقل «الاکمال» ۱۴- حافظ بن منده (۵۱۲ هـ) بنابر نقل خوارزمی در «مقتل الحسين» ۱۵- اخطب خوارزم (۵۶۸ هـ) در کتاب «مقتل الحسين» ۱۶- ابن عساکر (۵۷۱ هـ) در «ترجمه امام حسین» ۱۷- ابن اثیر (۶۳۰ هـ) در «اسد الغابه» ۱۸- حسام‌الدین محلی (۶۵۲ هـ) در «الحدائق الوردیه» ۱۹- نووی (۶۷۶ هـ) در «تهذیب الاسماء و اللغات» ۲۰- ظهراالدین بن کارزونی (۶۷۹ هـ) در «مختصر التاريخ» ۲۱- ذهبی (۷۴۸ هـ) در «المشبه» و «سير اعلام النبلاء» ۲۲- خطیب تبریزی (۷۴۱ هـ) در «الاکمال فی اسماء الرجال» ۲۳- ابن منظور افریقی (۷۱۱ هـ) در «لسان العرب» ۲۴- ابن کثیر (۷۷۴ هـ) در «السيره النبویه» ۲۵- نورالدین هیثمی (۸۰۷ هـ) در «مجمع الزوائد» ۲۶- ابن شحنه (۸۱۷ هـ) در «روضه المناظر» ۲۷- فیروزآبادی (۸۱۷ هـ) در «قاموس المحيط» ۲۸- قلقشندی (۸۲۱ هـ) در «مآخر الانافه» ۲۹- ابن حجر عسقلانی (۸۲۱ هـ) در «تبصیر المتنبه» ۳۰- ابن طولون دمشقی (۹۵۳ هـ) در «الائمه الاثنا عشر» ۳۱- مناوی (۱۰۳۱ هـ) در «اتحاف السائل» ۳۲- حلبی (۱۰۴۴ هـ) در «السيره الحلبیه» ۳۳- مرتضی زبیدی (۱۰۲۵ هـ) در «تاج العروس» ۳۴- یوسف بن اسماعیل نبهانی (۱۳۵۰ هـ) در «الشرف المؤید آل محمد» ۳۵- حسین محمد یوسف در کتاب «سید شباب اهل الجنة». (رضوانی، ۱۳۸۹: ۴۱-۴۳)

عمر ابوالنصر می‌گوید: مسعودی (اثبات الوصیه، ۱۴۲)، یعقوبی (تاریخ یعقوبی، ۱۳۷۴: ۱۳۹/۲) و ابوالفدا، (۲۵۲/۱) بر وجود محسن تاکید نموده و آن را ثابت کرده‌اند. (ابوالنصر، بی‌تا: ۹۴-۹۳) با این که برخی از مورخین اهل تسنن در این باره سکوت را ترجیح داده‌اند، نقل ابوالنصر نشان‌دهنده این است که در اثبات وجودی به نام محسن نه تنها اختلافی وجود نداشته بلکه

شواهد و ادله موجود بر تاکید و اثبات وجود محسن (ع) اشاره دارند. شمار اندکی از اهل تسنن محسن را وجودی دانسته‌اند که در کودکی فوت کرده است. (ابن قتیبه، ۱۴۱۳ ق: طبری، ۱۴۰۷ ق: ۱۱۸/۴)، هیچ یک از منابع تسنن از زمان فوت محسن که آیا در حیات پیامبر بوده یا نه نقلی نیاورده‌اند. نقل مشهور به ویژه توسط شیعیان، سقط شدن محسن بعد از رحلت پیامبر (ص) است. (یعقوبی، ۱۳۷۴: ۲۱۳/۲؛ کوفی، بی تا: ۲۵۳_۲۲۱؛ قاضی نعمان، بی تا: ۸۸/۳) کمال‌الدین محمد بن طلحه شافعی (۶۵۲) در این باره می‌گوید: «اقوال مردم در مورد تعداد اولاد علی از پسر و دختر مختلف است برخی زیاد شمرده‌اند تا حدی که در بین آن‌ها سقط شده را نیز آورده‌اند و قومی بیشتر از این گفته و محسن را سقط شده به عنوان برادر حسن و حسین (آورده‌اند)». (شافعی، بی تا: ۶۲) نظرات در این باره مختلف و جای بحث فراوان دارد، ولی آن چه مدنظر ما می‌باشد اثبات وجود محسن بن علی (ع) است که از همه‌ی اقوال برداشت می‌شود.

۳- ذکر وجود محسن در کلام و روایات شیعه

وجود حضرت محسن قرن‌هاست بر زبان‌ها جاری است و تمام مورخان و نویسندگان و صاحب‌نظران تشیع و تسنن (أحمد بن حنبل، مسند، ۱، ۹۸؛ بخاری، ۱۷۷) در این باب، نظر به وجود حضرت محسن داده‌اند و نام ایشان را در کتب خود آورده‌اند. روایاتی که به دست ما رسیده نیز گواه بر این امر غیرقابل انکار است و در این جا، یک روایت از امام باقر ارائه می‌نماییم که ختم کلام شیعه و اثبات وجود حضرت محسن را می‌توان از این روایت برداشت نمود. امام باقر می‌فرماید: «ابتدا زهرا (س) به حسن آبستن شد چون او را به دنیا آورد پس از چهل روز به حسین آبستن شد پس زینب و ام کلثوم را به دنیا آورد سپس به محسن آبستن شد». (طبری، ۱۳۸۳: ۲۶-۲۷؛ بحرانی، ۱۳۶۳: ۵۰۴/۱۱) در نوشته‌های نویسندگان همان‌طور که در صفحات قبل گفته شد علمای تشیع و تسنن ذکر نموده‌اند که حضرت محسن فرزند حضرت علی و حضرت زهرا (س) بوده است و حجم انبوه گزارش‌ها از ذکر نمودن نام محسن در شمار فرزندان علی‌این ابیطالب و دلایل ذکر کردن آن‌ها، برهانی بر وجود او می‌دانیم.

۴- طریقه‌ی نام‌گذاری محسن بن علی (ع)

کلینی (کافی، ۱۳۷۸: ۱۸/۶) و الخصال (شیخ صدوق، ۱۴۰۳ ق: ۴۳۴/۲؛ علل الشرایع، ۱۳۸۶: ۴۴۴/۲) و مجلسی (بحار، ۱۴۰۳ ق: ۱۹۵/۴۳) از پیامبر اکرم (ماجرای سقط شدن حضرت محسن

را نقل کرده و از امام صادق روایت می‌کنند که پیامبر به امام علی فرمود: «اولاد خود را قبل از تولد نام‌گذاری کنید و اگر نمی‌دانید که پسر است یا دختر آنان را به نام‌هایی که برای پسر و دختر است نام نهدید؛ زیرا فرزند سقط شده، شما را در روز قیامت ملاقات می‌کند در حالی که برایشان نام ننهاده‌اید، مولد سقط شده به پدرش می‌گوید: چرا برای من نام ننهادی؟ و حال آن که رسول خدا (محسن را نام‌گذاری کرد قبل از آن که متولد شود». (شیخ صدوق، ۱۴۰۳ ق: ۴۸۷/۲؛ بحرانی، ۴۱۱/۱۱؛ شبر ۱۳۹۴: ۲۱۲/۱) البته افرادی دیگر از تشیع و تسنن هستند که طریقه نام‌گذاری محسن را ذکر کرده باشند. اکنون به تعدادی از آنها می‌پردازیم. شیخ مفید (۴۱۳) می‌گوید: «فاطمه (س) پسری را بعد از پیامبر سقط کرد. وقتی فاطمه (س) او را حامله بود پیامبر (نامش را محسن گذاشت». (مفید، ۱۴۱۶ ق: ۱۸۷) محمدبن یوسف گنجی شافعی (۶۵۸) از علمای اهل سنت نقل می‌کند: «پس از رحلت پیامبر، فاطمه فرزند پسری را سقط نمود که رسول خدا نام او را محسن نهاده بود» و در ادامه می‌گوید: «این مطلب نزد هیچ‌کدام از اهل نقل و حدیث یافت نشد مگر ابن قتیبه». (گنجی شافعی، ۴۱۳؛ لباف، ۱۳۸۸: ۱۴۵) در بخش‌های پیشین در مورد تحریف کتاب المعارف ابن قتیبه سخن به میان آوردیم و حال با توجه به این که گنجی شافعی متوفی ۶۵۸ هجری می‌باشد؛ یعنی قرن هفتم، از سخن او در مورد ابن قتیبه معلوم می‌شود که تا قرن هفت در کتاب المعارف موضوع سقط شدن حضرت محسن بعد از رحلت رسول اکرم موجود بوده و بعد از قرن هفت تحریف صورت گرفته است.

حسن بن مطهر حلی (۷۲۶) می‌گوید: «... رسول خدا وقتی محسن در شکم فاطمه (س) حمل می‌شد نام او را محسن گذارد». (حلی، بی‌تا: ۱۴۰) سید تاج الدین احمد حسینی عاملی (قرن ۱۱) نیز در کتاب خود التتمه فی تواریخ الائمه ذکر می‌کند: «رسول خدا (نام حضرت محسن را نهاده است». (حسینی عاملی، ۱۴۱۲ ق: ۳۵)

۵- اقوال پیرامون تولد محسن بن علی

بعضی گفته‌اند: محسن در زمان پیامبر به دنیا آمده و مرده، عده‌ی اندکی نیز گفته‌اند: محسن در زمان پیامبر مرده به دنیا آمده است. ابن شهر آشوب در این باره می‌گوید: «عناد دشمن، گروهی از مردمان پست را وا داشته که بگویند: ... محسن را فاطمه (س) در زمان پیامبر سقط کرد» (ابن شهر آشوب، ۱۳۵۶: ۱۶ / ۱) جعفر مرتضی عاملی نیز در این باره نظری داده است که در کتاب رنج‌های زهرا (س) آن را آورده و چنین فرموده‌اند: «عده‌ای مطرح

کرده‌اند که محسن به دنیا آمده، ولی در کودکی مرده است، ولی این‌طور نیست و این راه حلی ساختگی برای عده‌ای است که این ماجرا آن‌ها را در تنگنا قرار داده، لذا کوشیده‌اند که از اساس، وجود محسن را انکار کنند...» (عاملی، ۱۳۸۱: ۶۳۳/۲) شاهد مثال فرموده استاد گران‌قدر جعفر مرتضی عاملی را می‌توان در چاپ جدید المعارف مشاهده کرد. زبیدی (۱۲۰۵) می‌گوید: «المحسن به تشدید سین، اکثر امامیه معتقدند که او حملی بوده که فاطمه زهرا شش ماهه او را سقط کرده است و این واقعه بعد از وفات پیامبر اتفاق افتاده است». (زبیدی، ۱۳۰۶: ۱۲۷) قاضی نعمان مغربی (۳۶۳) در ضمن شعری چنین می‌سراید: «فضربوها بینهام فأسقطت...» یعنی: «پس او را در بین خود زدند و در نتیجه سقط جنین کرد.»

لازم است واژه سقط و اسقط اندکی مورد بررسی قرار بگیرد. اسقط یعنی قبل از آن که جنین در رحم زن باردار کامل شود آن را به صورت مرده فرو انداخته و به دنیا آورد. در اصل لغت، این نکته وجود دارد که این لغت نزد عرب برخلاف کاربرد فارسی آن برای اشاره به مرگ جنین در رحم مادر به کار نمی‌رفته، لذا واژه سقط دقیقاً به معنای به دنیا آوردن جنین مرده توسط مادر است. (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق: واژه سقط) به عبارت دیگر، محسن (ع) به دلیل اینکه کمال نیافته و آسیب دیده بود زنده به دنیا نیامد. بر این اساس باید گفت به دلیل شدت لطمات جسمانی و روحی دو واقعه تولد و سقط حضرت محسن هم زمان و پی‌درپی رخ داده است و این حادثه را می‌توان تولدی تلخ برای حضرت محسن (ع) تلقی کرد.

۶- اثبات شهادت محسن به عنوان اولین و کوچک‌ترین شهید آل رسول

با شواهدی که خواهیم آورد اثبات می‌شود حضرت محسن اولین شهید خاندان عترت و اولین کسی است که برای حمایت از حریم ولایت به شهادت رسید. حضرت علاوه بر این که اولین شهید بعد از رحلت حضرت رسول و خاندان اوست، کوچک‌ترین شهید این خاندان نیز محسوب می‌شود.

۶-۱- طریقه‌ی شهادت

ماجرا از این قرار است: وقتی عده‌ای آمدند تا از حضرت علی بیعت بگیرند شخصی شمشیر خود را با غلاف برآورد و بر پهلوی فاطمه (س) زد ... و قنغذ پیش‌تاخت و با تازیانه‌اش چنان به حضرت زد که مانند بازوبند علامتی بر بازوی مبارکش پدید آمد ... قنغذ

در را بر شکم آن حضرت چنان فشار داد که استخوان‌های پهلویش درهم شکست و آن جنین که در شکم داشت و پیغمبر نام او را محسن گذاشته بود سقط شد و به روایتی دیگر، گروهی که یکی از آن‌ها مغیره بن شعبه بود به اتفاق چند نفر دیگر در را بر شکم فاطمه (س) فشردند و فرزندش را شهید کردند. (صفدی، ۱۴۲۰، ۱۷/۶؛ ابن حجر عسقلانی ۴۵۹/۳؛ سپهر، ۱۳۸۹-۷۷ و ۷۶) کفعمی در المصباح چنین بیان می‌کند: فاطمه را بین در فشردند چنان‌که محسن را سقط کرد. (عاملی کفعمی، بی‌تا: ۵۵۳) علامه حلی نیز می‌گوید: فاطمه (س) کتک خورد و جنینش به نام محسن سقط گشت. (حلی، ۱۴۱۳، ق: ۵۱۱) شاید این‌جا سؤال مطرح شود که چرا محسن سقط شده را شهید به حساب می‌آوریم. در جواب می‌توان گفت: اگر فرض بر این باشد که حضرت بر اثر هیچ عامل خارجی سقط نشده باشند، طبق روایات اسلامی شهید محسوب می‌شود. چون در روایات داریم که اگر مادر هنگام زایمان بمیرد شهید محسوب می‌گردد (مستدرک الوسائل: ۱۸۰/۱۵) برای محسن نیز می‌توان این روایت را به حساب آورد؛ زیرا او نیز به واسطه درد زایمان و در رحم مادر از دنیا رفته است. پس براساس ادله شهادت مادر و فرزند در زایمان، محسن نیز شهید است. دلیل دیگری که در جواب می‌توان آورد این است که حضرت بر اثر عوامل خارجی سقط شده‌اند؛ یعنی عده‌ای حضرت زهرا را دچار آزار و اذیت جسمی و روحی قرار دادند و به همین علت حضرت محسن سقط شد و حکم ماجرای سقط‌شدن زینب دختر پیامبر، محسن را نیز در برمی‌گیرد. چون وقتی که اسود عنسی زینب را ترسانید و فرزند وی سقط شد، پیامبر فرزند زینب را شهید پنداشت و خون اسود را نیز حلال اعلام نمود. (ابن ابی الحدید، ۱۴۱۸، ق: ۱۹۲/۱۴) ابن ابی الحدید از نقیب ابی جعفر نقل می‌کند: «... بر اثر ماجرای زینب، اگر پیامبر بود بدون شک خون کسانی که فاطمه (س) را ترسانده تا بچه از شکمش افتد مباح می‌کرد و در ادامه ابن ابی الحدید خواست اسامی کسانی را که فاطمه را ترسانده بودند از وی نقل کند، ولی او گفت نه...». (همان، ۱۹۲)

۶-۲ ذکر خبر شهادت محسن در کلام و کتب تسنن

عده‌ای از علمای اهل سنت بر این که حضرت محسن سقط شده و به شهادت رسیده است تصریح کرده‌اند. به اسامی برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: ۱- ابواسحاق ابراهیم نظام (ت ۲۳۱) به نقل از شهرستانی در ملل و نحل ۲- ابن قتیبه (۲۷۶) در «المعارف» چاپ گذشته به نقل ابن شهر آشوب (۵۸۸) در کتاب «مناقب آل ابی‌طالب» ۳- مسعودی عیاشی (۳۲۰) «در تفسیر عیاشی» ۴- مسعودی (۳۴۶) در «اثبات الوصیه» ۵- ابوبکر بن ابی دارم (۳۵۲) در

«تذکره الحفاظ» ۶- مطهر بن طاهر مقدسی (۳۵۵) در «العدد و التاريخ» ۷- طاهر اسفرائینی
تممی (۴۲۹) در «الفرق بن الفرق» ۸- عبدالکریم شهرستانی (۵۴۸) در «ملل و نحل» ۹-
نسابه حمد بن أسعد بن حسینی (۵۸۸) در «الشجرة المحمدیه و السنیه و الهاشمیه» ۱۰-
کمال الدین محمد بن طلحه شافعی (۶۵۲) در «المطالب السئول» ۱۱- ابن ابی الحدید
(۶۵۶) در «شرح نهج البلاغه» ۱۲- حافظ محمد بن یوسف گنجی شافعی (۶۵۸) در «کفایه
الطالب» ۱۳- ابن منظور (۷۱۱) در «مختصر تاریخ دمشق» ۱۴- حموی (۷۳۰) در «فرائد
السمطین» ۱۵- حافظ جمال الدین مزی (۷۴۲) در «تهذیب الکمال» ۱۶- صلاح الدین
صفدی (۷۶۴) در «الوافی بالوفیات» ۱۷- شمس الدین ذهبی (۷۴۸) در «تاریخ الاسلام» و
«میزان الاعتدال» ۱۸- ابراهیم بن عبد الرحمن حنفی طرابلسی (۸۴۱) در «المشجره» ۱۹-
مقریزی (۸۴۵) در «الخطط» ۲۰- ابن صباغ مالکی (۸۵۵) در «الفصول الهمه» ۲۱-
عمادالدین قرشی (۸۷۲) به نقل از عبدالزهره مهدی در الهجوم ۲۲- صفدری شافعی (۸۹۴)
در «نزهه المجالس» ۲۳- شیخ جمال الدین یوسف مقدسی (۹۰۹) در «الشجرة النبویه فی
نسب خیر البریه» ۲۴- نسابه عمید الدین (زنده در سال ۹۲۹) در «المشجر الکشاف» ۲۵-
متقی هندی (۹۷۵) در «کنز العمال» ۲۶- سیدمرتضی زبیدی (۱۲۰۵) در «تاج العروس» ۲۷-
شیخ محمد بن دهیب حنفی قراغولی «جوهره الکلم فی مدح الساده الاعلام» ۲۸- شیخ
محمد صبان شافعی (۱۲۰۶) در «اسعاف الراغبین» ۲۹- شیخ حسن حمزاوی در «مشارق
الانوار» ۳۰- محمد بن رفیع از علمای اواخر قرن سیزدهم در «ریاض الانساب» ۳۱- عباس
محمود مفاد در فاطمه الزهراء و الفاطمیون» و ... می باشند. (رضوانی، ۱۳۸۹: ۱۱۰-۱۱۱)

ابوالنضر محمد بن مسعودی عیاشی سمرقندی (۳۲۰) می آورد: «فصرب عمّر و الباب ...
فکسره ...» (عیاشی، بی تا، ۴۶/۲) مطهر بن طاهر مقدسی (۳۵۵) می گوید: «و ولدت محسناً ...
تزعّم الشیعه» (مقدسی: ۲۰/۵) مقدسی ضمن این که ذکر می کند محسن متولد شده و وجود
ایشان را حقیقی می داند، از روی غرض ورزی و تعصب کورکورانه دست به انکار می زند و
می گوید: «محسن متولد شد و شیعه اشتباه می پندارد.» عبدالقاهر بن طاهر بغدادی
اسفرائینی تیمیمی نیز در کتاب «الفرق بین الفرق» به شهادت حضرت محسن اشاره می کند.
(اسفرائینی، ۱۹۹۷: ۱۷۰) شهرستانی (۵۴۸) از نظام (۲۳۱) نقل می کند: «خلیفه دوم در روز
بیعت بر پهلوی فاطمه (س) چنان ضربه ای زد که باعث شد فرزندش محسن کشته شود.»
(شهرستانی، ۱، ۷۵۷؛ صفی زاده، ۳۱۶) «محسن بر اثر هل دادن بسیار شدید قنغذ دشمن، سقط
شد و از میان رفت.» (ابن شهر آشوب، ۱۳۵۶: ۳/۳۵۸) ابن منظور (۷۱۱) در مختصر تاریخ دمشق

ابن عساکر (۵۷۱) آورده: «عمر به فاطمه (س) لگد زد و محسن سقط شد.» (ابن منظور، ۱۲۲/۱۳) ذهبی (۷۴۸) در تاریخ اسلام (ذهبی، ۶۸) و سیر اعلام النبلاء (همو، سیر اعلام النبلاء، ۵۷۸/۱۵) به لگدزدن خلیفه دوم به حضرت زهرا (س) و سقط شدن حضرت محسن اشاره دارد و در کتاب میزان الاعتدال در شرح حال «احمد بن السری» می‌گوید: «مردی بر او می‌خواند که خلیفه دوم فاطمه (س) را لگد زد تا این که محسن سقط شد.» (همو، ۱۳۸۲: ۲۸۳/۱) وی در همین کتاب به سخنی از ابن ابی دارم (۳۵۲) اشاره می‌کند که عمر به فاطمه لگد زد و محسن او سقط شد. (همان، ۱۳۹) صفدی می‌گوید: «روزی عمر به شکم فاطمه ضربه‌ای زد به گونه‌ای که محسن را سقط نمود» (صفدی، ۱۷/۶) مقریزی نیز گفته است: «... عمر دختر رسول خدا (را زد ...» (مقریزی، بی‌تا، ۳/ ۳۴۶) ابن حجر عسقلانی (۸۵۲) در لسان المیزان از قول ذهبی نقل می‌کند: «بدون شک عمر چنان لگدی به فاطمه (س) زد که محسن از او سقط شد.» (عسقلانی، ۱۴۰۶ ق: ۱/ ۲۶۸) عمادالدین قرشی (۸۷۲) می‌نویسد: «... و این که عمر خطاب آن زمان فاطمه را ترساند و درب را بر روی شکمش هل داد و بچه‌اش را سقط کرد» (مهدی، ۱۴۲۱ ق: ۳۱۷) جمال‌الدین یوسف مقدسی (۹۰۹) می‌گوید: «بین شیعه مشهور است که او (خلیفه دوم) فاطمه را در فشار در گذاشت تا محسن را سقط کرد» (حرعاملی، بی‌تا: ۳۷۰/۲) همچنین ماجرای شهادت حضرت محسن به طور کامل در کنز العمال متقی هندی (۹۷۵) (متقی هندی، ۶۳۱/۵) و در شذرات الذهب ابن عماد حنبلی (۱۰۸۹) (حنبلی، ۱۴۰۶ ق: ۳/ ۱۱) و بسیاری از آثار مورخان و محدثان پیشین و معاصر آمده است.

۳-۶ نقل خبر شهادت از زبان عالمان و متکلمین تشیع

تعدادی از علمای شیعه نیز در کتاب‌های خود موضوع سقط شدن و شهادت حضرت محسن را نقل کرده‌اند. اینک به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: ۱- سلیم بن قیس هلالی (۷۵) یا ۷۶ ه) در «کتاب سلیم» ۲- سید حمیدی (۱۷۸ یا ۱۷۹) در شعر خود که در کتاب «اعیان الشیعه» آمده ۳- حسین بن حمدان خصیبی (۳۲۶) در «الهدایة الکبری» ۴- علی بن حسین مسعودی ۱ در «اثبات الوصیه» ۵- شیخ صدوق (۳۸۱) در «معانی الاخبار» و «امالی» ۶- عمر بن نسابه (۴۲۵) در «المجدی» ۷- محمد بن علی فرازی (۴۵۰) به نقل عبدالزهرا مهدی در «الهجوم» ۸- شیخ مفید که گنجی شافعی در «کفایة الطالب» از او نقل می‌کند. ۹- محمد بن جریر بن رستم طبری (۴۶۰) در «دلائل الامامه» و «نوادر المعجزات» ۱۰- شیخ طوسی (۴۶۰) در «الارشاد» و «تلخیص الشافی» ۱۱- شیخ طبرسی (۵۴۸) در «الاحتجاج»

۱۲- سیدبن طاووس (۶۶۹) در ضمن زیارتنامه‌ای در کتاب «الاقبال» ۱۳- علامه حلی (۷۳۶) در «کشف المراد» و «نهج الحق و کشف الصدق» ۱۴- عمادالدین طبری (ق ۷) در «کامل بهایی» ۱۵- ابومحمدحسن بن ابی الحسن دیلمی (قرن ۸) در «الارشاد القلوب» ۱۶- فاضل مقداد سیوری (۸۲۶) در «اللوامع الالهیه فی المباحث الکلامیه» ۱۷- علی بن یونس عاملی نباطی بیاضی (۸۷۷) در «الصراط المستقیم» ۱۸- حسن بن سلیمان حلی (ق ۹) در «المختصر» ۱۹- کفعمی (۹۰۰) در «المصباح» ۲۰- محقق کرکی (۹۴۰) در «نفحات اللاهوت» ۲۱- شرف الدین حسینی (۹۶۵) در «تأویل الآیات» ۲۲- قاضی نور... تستری (۱۰۱۹) در «احقاق الحق» ۲۳- شیخ عبدالنبی ابن سعد جزائری (۱۰۲۱) در «الامامه شیخ جزائری» ۲۴- محمدتقی مجلسی (۱۰۷۰) در «روضه المتقین» ۲۵- فیض کاشانی (۱۰۹۱) در «علم الیقین» ۲۶- حرعاملی (۱۱۰۴) در «ارجوزه فی تواریخ النبی و الائمه» و «اثبات الصلاة» ۲۷- محمدباقر مجلسی (۱۱۱۱ هـ) در «مرآة العقول» و «بحار الانوار» ۲۸- سیدتاج الدین علی بن احمد حسینی در «التممه فی تواریخ الائمه» ۲۹- خواجویی مازندرانی (۱۱۷۳ هـ) در «الرسائل الاعتقادیه» ۳۰- شیخ یوسف بحرانی (۱۱۸۶) در «الحدائق الناظرة» و «عوالم العلوم» ۳۱- مقدس اردبیلی در «حدیقه الشیعه» ۳۲- محقق اصفهانی در «الانوار القدسیه» ۳۳- آیت... خوانساری (۱۲۱۳ هـ) در «روضات الجنات» ۳۴- سیدمحمدحسین قزوینی (۱۳۰۰ هـ) در «الصوارم المافیة» ۳۵- شیخ عباس قمی (۱۳۵۹ هـ) در «البيت الاحزان» ۳۶- شیخ محمدحسن مظفر (۱۳۷۵ هـ.ق) در کتاب «دلایل الصدق» و بسیاری از علمای دیگر در کتاب‌هایشان که مجال ذکر آن‌ها نیست.

سلیم بن قیس می‌گوید: «قنغد به دستور عمر ... او (فاطمه) را هل داد و به همین خاطر استخوان پهلویش شکست و جنینی را از شکم خود سقط کرد». (هلالی، ۵۹۸/۲ مسعودی (۳۴۶) از کتاب الانساب الاشراف بلاذری (۲۷۹) بلاذری، ۱۹۵۹: ۴۰۴/۱) که از اهل تسنن است نقل می‌کند: «آنان در هجوم خود به خانه فاطمه (س)، سرور زنان عالم، در را چنان از پشت فشار دادند که محسن را سقط کرد». (مسعودی، بی تا، ۱۴۳) شیخ صدوق هم از ابن عباس نقل می‌کند: «روزی پیغمبر نشسته بودند ... گفت: اما دخترم فاطمه (س) ... پهلویش را می‌شکنند و باعث می‌شوند بچه‌اش سقط گردد». (صدوق، ۱۷۶؛ سپهر، ۱۳۸۹: ۱۳۹) عمری نسابه (۴۲۵) می‌گوید: «و شیعه خبر محسن و لگد را روایت کرده‌اند». (علوی عمری، ۱۴۰۹ هـ، ۱۲) محمدبن علی فرازی (۴۵۰) در ضمن ذکر صلواتی به حضرت زهرا (س) ایشان را چنین وصف می‌نماید: «المقتول وُلدها فاطمه، بنت رسول الله ...». (مهدی، ۲۸۷) محمدبن جریر

طبری (۴۶۰) می‌گوید: «وقتی رسول خدا جان سپرد ... و آن بلایی که از ناحیه آن مرد به خدمت فاطمه رسید، فرزند کاملی را سقط کرد». (طبری، ۹۸: ۱۴۱۰) و در جای دیگر می‌گوید: «قنغد مولى عمر لکرها ... فأسقطت محسناً». (همو، ۱۳۶) طبری در این جا ضربه قنغد را عامل اصلی شهادت حضرت محسن مطرح می‌کند ولی این که در نقل قبلی منظور از (آن مرد) چه کسی است به طور حتم مشخص نیست. شیخ طوسی (۴۶۰) می‌نویسد: «و خبر مشهور بین شیعه که اختلافی در آن نیست این است که عمر شکم او را زد به گونه‌ای که او بچه‌اش را سقط کرد». (طوسی، ۱۳۴۹: ۱۵۶/۳) عمادالدین طبری (قرن ۷) می‌گوید: «گویند که فاطمه محسن را از شکمش انداخت به سبب آن که عمر به شکم او ضربه زده بود». (طبری، بی‌تا، ۳۰۸) علامه حلی نیز در این باره می‌فرمایند: «و فاطمه (س) کتک خورد و او را زدند لذا جنینش را که نامش محسن بود فرو انداخت». (حلی، نهج الحق، ۲۵۴؛ شافعی، ۳۷۶) علی بن یونس عاملی نباطی (۸۷۷) می‌گوید: «در شیعه مشهور است که عمر فاطمه را مورد فشار قرار داد تا این که محسن را سقط نمود». (عاملی، زین العابدین، بی‌تا، ۳، ۱۲) ابن سعد جزایری (۱۰۲۱) به نقل از امامه و سیاسه دینوری آورده است: «فاطمه را زدند و فاطمه در اثر این ضربه فرزندش را سقط کرد» (عاملی، ۱۳۸۱، ۴۶۱) محمدتقی مجلسی (۱۰۷۱) می‌گوید: «... به جهت زدن در، از طرف عمر بر پهلوى حضرت بوده ... و به سبب آن زدن، فرزند (جنین) او سقط شد که اسمش محسن بود». (مجلسی، بی‌تا، ۳۴۲/۵) خواجه‌بوی مازندرانی (۱۱۷۳): «فاطمه (س) را زدند و فاطمه در اثر این ضربه فرزندش را سقط کرد». (خواجه‌بوی مازندرانی، بی‌تا، ۴۴۴) شیخ یوسف بحرانی (۱۱۸۶) نیز در کتاب المعارف و مناقب نقل می‌کند که محسن در اثر ضربه قنغد به شهادت رسیده است. (بحرانی، ۱۳۶۳: ۵۳۹/۱۱) محدث قمی (۱۳۵۹) از معاصرین زمان ما و صاحب کتاب مفاتیح الجنان، کتاب دیگری به نام بیت الاخران به یادگار نهاده که در قسمتی از آن چنین بیان می‌کند: «أن قنغد مولى عمر ... بأمره فاسقطت محسناً» (قمی، ۱۴۱۲: ۱۶۰) که سخن ایشان دلالت دارد بر زدن حضرت زهرا (س) به وسیله قنغد و به دستور خلیفه دوم که در نهایت سبب سقط حضرت محسن شده است.

۴-۶ مکان شهادت

خانه حضرت علی یک درش به سوی مسجد بود (صدوق، ابوجعفر، علل الشرایع، ص ۷۸؛ حسین بحرانی، ۱۳۹۳: ۱۲/ ۱۹۳؛ مجلسی، ۲۲/ ۳۹) روایت: «رووا أن لفاطمه (س) بیتاً و لها الی مسجد باباً» گواه این سخن می‌باشد. (طبرسی، ۱۸۱/۱، خواجه‌بوی مازندرانی، بی‌تا، ۴۷۱/۱) ابن ابی

الحدید روایتی را بیان می‌کند و دلالت دارد به این که آن‌ها، در مسجد آتش افروختند و این‌گونه تصریح می‌کند که خلیفه اول ناظر تمام اتفاقات بوده: «... زبیر خارج شد ... و خلیفه اول بر منبر بود فریاد زد شمشیرت را بر سنگ بزن» (جوهری، ۱، ۵۲-۵۳؛ ابن ابی الحدید، ۲، ۵۶) این دلالت دارد بر این که محل شهادت حضرت محسن کنار دری در مسجد بوده و آن‌ها در مسجد را به آتش کشیدند چون اگر در مسجد نبود خلیفه اول بر آن اشراف نداشت و نمی‌توانست زبیر را مشاهده کند.

خواجویی مازندرانی از مورخین معاصر نیز می‌گوید: دری را که به آتش کشیدند درون مسجد بوده است. (خواجویی مازندرانی، بی‌تا، ۴۷۱/۱؛ طبرسی، ۱۸۱/۱) به عبارت دیگر خانه وحی، محل شهادت حضرت محسن بود و در این باره می‌توان به روایت امام حسن عسکری استناد کرد که حضرت از رسول... نقل می‌کنند: «قرآن را تحریف کردند و خانه وحی را آتش کشیدند». (مجلسی، ۳۱/۱۲۶؛ فاطمی، ۲۳۳)

۵-۶ روز شهادت

روز شهادت محسن در واقع همان روز هجوم به خانه‌ی وحی و به آتش کشیدن خانه و ضرب و شتم صدیقه کبری (س) است. عده‌ای روز شهادت را روز بیعت (یوم البیعه) دانسته‌اند، ولی به نظر می‌رسد منظورشان بیعت عمومی و خصوصی با خلیفه اول نباشد، بلکه فرض را بر این گذاشته‌اند که روز واقعه روزی است که خواستند به زور از علی بیعت بگیرند. شهرستانی در این باب (۵۴۸) از نظام (۲۳۱) نقل می‌کند: «خلیفه دوم در روز بیعت بر پهلوی فاطمه (س) چنان ضربه‌ای زد که باعث شد فرزندش کشته شود». (شهرستانی، ۱۴۰۴: ۷۵۷/۱؛ صفدی، ۱۴۲۰: ۱۷۱/۶؛ قمی، ۱۴۱۲: ۱۲۴)

روز شهادت حضرت رسول روز دوشنبه (فاطمی، ۴۳۲) ۲۸ صفر سال ۱۱ هجری قمری است که بعد از ظهر همان روز عده‌ای در سقیفه نزد سعد بن عباده گرد آمدند و سرانجام با خلیفه اول به طور خصوصی بیعت شد. (طبری، ۱۴۰۷: ۴۵۲/۲؛ ابن کثیر، بی‌تا، ۲۷۰/۵) روز بعد، روز سه‌شنبه، روز بیعت عمومی با خلیفه اول در مسجد بود. (ابن هشام، ۱۴۱۱: ۲۰۳/۴؛ طبری، ۴۵۸/۲؛ ابن اثیر، ۱۴۰۲: ۲۴۲/۲) و در شب این روز که در دل شب چهارشنبه باشد پیامبر را دفن کردند. (متقی هندی، ۱۹۸۹: ۱۴۰/۳؛ طبری، ۴۵۲/۲؛ ابن کثیر، ۲۷۰/۵) سه شب یعنی چهارشنبه و پنج‌شنبه و جمعه اهل بیت رسول خدا به خانه مردم؛ یعنی مهاجرین و انصار رفتند و آن‌ها قول دادند که با علی بیعت کرده و او را یاری کنند. (هلالی، ۱۴۱۵: ۵۷۷/۲) سه روز هم روزهای شنبه و یک‌شنبه و دوشنبه علی به جمع‌آوری قرآن مشغول شد و روز سوم

قرآن را به مسجد آورد. (همانجا) و فردای آن روز که روز سه‌شنبه بود آن مصیبت تلخ به وقوع پیوست و همگان از آن آگاه‌اند و محسن شهید شد. پس از آن جایی که پیامبر ۲۸ صفر از دنیا رفتند و یک روز بیعت خصوصی، یک روز بیعت عمومی، سه شب بعد از آن رفتن به خانه مردم و سه روز جمع‌آوری قرآن و یک روز هم روز هجوم، یعنی ۹ روز بعد از رحلت رسول خدا، روز سه‌شنبه، ۷ ربیع‌الاول روز شهادت حضرت محسن است.

۷- شاهدان واقعه‌ای بزرگ‌تر از عاشورا

مهیار دیلمی شاعر قرن ۴ و کاتب حکومت شیعی آل بویه در دیوان خود به زیبایی به جمله‌ای اشاره دارد که ترجمه آن این‌گونه است: کربلا دنباله راه سقیفه است. اگر به حریم ولایت تجاوز نمی‌شد، کربلایی راه نمی‌افتاد (نک: دیلمی، ۵۰/۳) امام صادق (ع) فرمودند: هیچ روزی مانند محنت ما در کربلا نیست، اگر چه روز سقیفه و آتش به پا کردن بر در خانه امیرالمؤمنین (ع) ... و کشتن محسن (ع) با لگد، بالاتر و سخت‌تر است، چرا که اصل روز عذاب و سختی آن روز است. (نواب‌الدهور، ۱۵۷/۳) به راستی که وقایع بعد از رحلت حضرت رسول (دست به دست هم دادند و عاشورا را رقم زدند. لذا شاهدان واقعه‌ای بزرگ‌تر از عاشورا شرح می‌دهیم.

۷-۱ مهاجمین به خانه امیرالمؤمنین (ع) و عاملان سقط محسن

روایات به طور کلی نشان دهنده این است که خلیفه اول (ابن ابی‌الحدید، جلد ۶، صفحه ۵۱) و خلیفه دوم (طبری، ۲/ ۴۳۳؛ کنز العمال، ۶۵۱/۵)، قنفذ (الامامه و السیاسة، ۱۲/۱) و خالد بن ولید و ابوعبیده جراح، مغیره بن شعبه، سالم غلام ابوحدیفه همگی هنگام هجوم به در خانه امیرالمؤمنین حضور داشتند. در کتاب تاریخ یعقوبی (۲۵۴) آمده است: ۱- عمر بن خطاب ۲- خالد بن ولید ۳- عبدالرحمن بن عوف ۴- ثابت بن قیس بن شماس ۵- زیاد بن لبید ۶- محمد بن مسلمه ۷- زید بن ثابت ۸- سلمه بن سلامه بن وقتش ۹- سلمه بن اسلم ۱۰- اسید بن حضیر از مهاجمان به خانه عترت بوده‌اند. (یعقوبی، بی‌تا، ۱۱۵/۲) شیخ مفید (۴۱۳) آورده است: اسامی برخی از افراد که میان یورش برندگان حضور داشتند برطبق روایت جدّ «عمر و بن ابی المقدم» که خود یکی از آنان بوده ذکر شده است. جد عمرو بن ابن المقدم می‌گوید: «عمر گفت برخیزید تا به سوی علی برویم. ابوبکر، عمر، عثمان، خالد بن ولید، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و سالم غلام ابی حدیفه برخاستند و من نیز با آنها برخاستم». (مفید، بی‌تا، ۱۸۱) همچنین شیخ مفید در کتاب جمل آورده: عمر همراه جماعتی از جمله مغیره بن

شعبه ثقفی و سالم غلام ابو حذیفه حرکت کرد تا به خانه علی رسید. (همو ۱۳۸۱: ۱۱۸-۱۱۷) ابی بکر، عمر، عثمان (اختصاص مفید، ۱۸۴ و ۱۸۷) خالد بن ولید، قنفذ، (هلالی، ۲۵۰/۲؛ بحرانی، ۴۴۱) ثابت بن قیس بن شماس، عبدالرحمان بن عوف و محمد بن مسلمه (جوهری، بی تا، ۴۵) و عبدالرحمان بن ابی بکر (مجلسی، ۵۳/۱۴؛ بحرانی، ۴۴۱؛ رحمانی همدانی، ۱۴۱۰: ۲/۵۳۲) اسید بن حضیر (حصین) و سلمه بن سلامه بن وقتش، سلمه بن اسلم (الامامه و السیاسه، ۱/۱۱؛ یعقوبی، بی تا، ۲/۱۱۵؛ مروجی طبسی ۱۳۸۹: ۲، ۳۰۶)، معاذ بن جبل (الوافی بالوفیات، ۶، ۱۷؛ ملل و نحل، ۱/۵؛ الامامه و السیاسه، ۱/۱۲) بشیر بن سعد (احتجاج، ۱/۴۱۴؛ اختصاص، ۱۸۵) معاویه بن ابی سفیان، عمرو بن عاص (وقعه صفین، ۱۶۳) زید بن اسلم (احقاق الحق، ۲/۳۷۰) بلاشک از مهاجمان به خانه مولا علی بوده‌اند.

وقتی گفته می‌شود عاملان، شاید ذهن‌ها به آن سو برود که مگر فلانی یا فلانی بر پهلوی حضرت زهرا ضربه زده و موجب شهادت حضرت محسن نشده‌اند، پس چرا لفظ عاملان به کار برده شده؟ در اینجا باید گفت که اولاً در این که چه کسی ضربه را به حضرت زده، نقل‌ها مختلف و فراوان است و موضوع اصلی بحث ما نیست. دیگر این که حضرت محسن فقط بر اثر ضربه به شکم مبارک حضرت زهرا (س) شهید نشدند، بلکه یک ضربه روحی و روانی شدید نیز بر ایشان وارد شده است. در قسمت لطمات جسمانی حضرت زهرا (س) نقل کردیم که عده‌ای حضرت را با سیلی و شلاق زده‌اند و ایشان را مورد لطمات جسمی و روحی قرار داده‌اند. ضربات جسمی و روحی تنها از جانب یک شخص و یک عامل روی نداده، بلکه عاملان واقعه چندین نفر بودند و در کلامی صحیح‌تر تمام آنان که به خانه حضرت هجوم آوردند عاملان سقط حضرت محسن می‌باشند. در مورد شهادت حضرت محسن و پیرامون ضربات جسمانی وارده بر حضرت زهرا (س) در کتاب سلیم سه دسته نظر و علت از علما آورده شده: ۱- ضربه قنفذ ۲- ضربه عمر ۳- برخی هردو. (هلالی، ۱/۱۵۳) در کتاب امامه و سیاسة که منسوب ابن قتیبه دینوری است (۲۷۶) آمده است: «خلیفه دوم فاطمه را چنان بین در و دیوار فشار داد که فرزندش سقط شد ...». (ابن قتیبه، ۱۴۱۳: ۳۰؛ ابن عطیه، مقاتل، المناظرات، ۱۴۱۹: ۵۵؛ همو، ۱۴۱۵: ۱۳۷-۱۳۵) حسین بن حمدان خصیبی (۳۳۴ه) می‌گوید: «عمر درب را با لگد بر فاطمه (س) کوبید به حدی که به شکم او اصابت کرد و در حالی که او، محسن را شش ماهه حامله بود، او را سقط کرد». (خصیبی، ۱۴۱۱: ۴۰۸) ملطی شافعی (۳۷۷) می‌گوید: «ابوبکر بر فاطمه (س) عبور کرد و با لگد بر پهلوی فاطمه (س) زد و حضرت بچه‌اش را سقط نمود». (ملطی شافعی، بی تا، ۲۵) طبرسی (۵۸۴) می‌گوید: «... و

ابوبکر سراغ قنغد فرستاد که فاطمه (س) را بزند لذا قنغد آن بانو را به سمتی از خانه پرت کرد و استخوان دنده‌ای از پهلویش را شکست و آن بانو جنین را از شکم مبارکش فرو انداخت ...» (طبرسی، ۱۳۸۶: ۸۳/۱؛ همان، ۲۱۲) طبق روایات ذکر شده، می‌توان دریافت که مهاجمان از جمله خلیفه اول و دوم، خالد بن ولید، قنغد و ... همگی از عاملان سقط محسوب می‌شوند. (عاملی، ۶۱۰) هرچند اگر فرض کنیم ضربه‌ای به حضرت زهرا (س) نزده باشند حداقل مثل ماجرای زینب دختر رسول خدا، برای حضرت زهرا ترس و رعب ایجاد نموده‌اند. مثلاً خالد و قنغد کمترین کارشان این بود که به دستور خلیفه دوم همیزم را در کنار در جمع کردند و آتش به راه انداختند. (مجلسی، ۱۹۸-۱۹۷) و این عمل اگر احتمالی ضعیف در سقط شدن حضرت باشد، آن‌ها قاتل به حساب می‌آیند، چه رسد به این که شکی در این قضیه نیست. اگر گمان ببریم که خلیفه اول و دوم حضرت را نزده‌اند، با توجه به این که آن‌ها دستور زدن حضرت یا ایجاد رعب و ترس را داده‌اند در شمار عاملان قتل و سقط محسن قرار می‌گیرند. حسینی عاملی (قرن ۱۱) (حسینی عاملی، ۳۵) و محدث قمی (۱۳۵۹) (قمی، ۱۴۱۲: ۱۶۰) با وجود ضربات خلیفه اول و دوم، تازیانه‌زدن قنغد به حضرت زهرا (س) را قوی‌ترین و اصلی‌ترین سبب سقط ایشان دانسته‌اند.

۷-۲ شاهدان ماجرا از اهل خانه و یاران حضرت امیر (ع)

در این مبحث روایات مختلفی وجود دارد؛ یکی از این روایات این است که در خانه حضرت امیر (ع) فقط، علی، فاطمه (س) حسن و حسین و دختران حضرت بوده‌اند. (شهرستانی، ۸۴/۱؛ ابن ابی الحدید، ۱۵/۵، مجلسی، ۲۷/۲۸) در روایتی دیگر آمده، فضه (خصیبی، ۴۰۸؛ مجلسی، ۱۵/۵۳؛ بحرانی، ۴۳/۱۱) چون علاقه فراوان به خاندان عترت داشته و به حضرت زهرا (س) خدمت می‌کرده، پس او هم در خانه بوده است. باز روایت داریم که شمار و جمعی از بنی‌هاشم (مفید، ۱۱۸-۱۱۷) و زبیر (همو، ۱۴۱۳: ۴۸-۵۰؛ طبری، ۴۴۳/۲) از حاضران در خانه امیرالمؤمنین بوده‌اند. حال شاید گفته شود: این‌ها که پر از تناقض است. چگونه این روایت‌ها این قدر با هم تفاوت دارد؟ بله شاید ظاهر این روایات با هم فرق کند، ولی آن‌چه از پشت پرده برایتان آشکار می‌سازیم، شبهه را برطرف خواهد ساخت و خواهید دید که تناقضی در کار نبوده است. به نقل از نظام (۲۳۱) داریم که خلیفه دوم فریاد می‌زد: «خانه‌ی زهرا (س) را با ساکنانش به آتش بکشید» و در خانه غیر از علی و فاطمه و حسن و حسین کسی نبود. (عاملی، ۲۴۵) ذکر شده که ساکنان خانه تنها اعضای خانواده بوده‌اند، اما قضیه این است که آن‌ها فضه را از ساکنان خانه محسوب نمی‌کردند و او را کنیز خانواده می‌دانستند و به مقام والای فضه پی

نبرده بودند. در مورد حضور صد درصدی فضا مدارکی محکم وجود دارد. یکی از این مدارک سخن حضرت زهرا است که فرمودند: «آه فضا مرا بگیر که به خدا قسم جنین داخل شکمم کشته شد». (همان، ۶۱۰) حضور گروهی از بنی هاشم و زبیر در خانه حضرت علی را باید در کلام یعقوبی جستجو کرد که هجوم به خانه‌ی حضرت را سه بار دانسته است و امکان دارد هریک از این روایات برای یکی از این هجوم‌ها آمده باشد. با این کلام یعقوبی می‌توان بین شبهه اول یعنی حضور اهل بیت به تنهایی در خانه و حضور بنی هاشم و زبیر در خانه حضرت، جمع بست و هم تناقض را برطرف کرد. درباره نام حضور یافتگان در خانه و تحصن‌کنندگان از بنی هاشم و افراد دیگر که باخليفة اول بیعت نکردند، بعضی از مورخان از جمله یعقوبی چنین ذکر کرده‌اند: ۱- عباس بن عبدالمطلب ۲- عقبه ابن ابی لهب ۳- سلمان فارسی ۴- ابوذر غفاری ۵- عمار بن یاسر ۶- مقداد بن اسود ۷- براء بن عاذب ۸- ابی بن کعب ۹- طلحه بن عبدا... و نیز گروهی از بنی هاشم و جمعی از مهاجرین و انصار. (یعقوبی، بی تا، ۱۱۵/۲؛ فاطمی، ۲۲۳-۲۲۲) البته به نظر می‌آید که این حضور در هجوم سوم که منجر به سقط محسن شد، نبوده باشد، چون اگر این افراد حضور می‌داشتند شهادت حضرت محسن پیش نمی‌آمد.

۸- اخبار شهادت محسن قبل و بعد از واقعه

خداوند متعال در شب معراج حضرت رسول (برای حضرت، موضوع شهادت حضرت محسن را ذکر کرده و حضرت را از چگونگی شهادت محسن مطلع ساخته و حضرت نیز آن‌چه از طرف خدا به او گفته شده، بازگو نموده‌اند. جعفر بن محمد قولویه قمی با سلسله سند از حضرت امام صادق روایت می‌کند: «وقتی که پیامبر (را به معراج بردند به ایشان گفته شد: اما دختری به او ظلم می‌شود ... و با این که باردار است کتکش می‌زنند ... آن‌گاه به او و بچه‌ای که در شکم دارد صدمه می‌زنند و فرزندش را می‌کشند ...». (ابن قولویه قمی، ۱۳۵۶: ۳۳۲)

جوینی (۷۳۰) استاد ذهبی (۷۴۸) از قول نبی اکرم (می‌گوید: «و اما دخترم فاطمه (س) ... هرگاه او را می‌بینم به یاد می‌آورم ... پهلویش شکسته و جنینش سقط شده است». (جوینی شافعی، بی تا، ۲/۳۵-۳۴) شیخ صدوق (۳۸۱) نیز در حدیثی از پیامبر (نقل می‌کند که به علی فرمود: «ای علی تو گنجی در بهشت داری ... این گنج، فرزند تو محسن است و او همان نوزادی است که وقتی فاطمه میان در و دیوار مورد فشار قرار گرفت سقط و کشته می‌شود». (صدوق، بی تا، ۲۰۶)

در تفاسیر قرآن و بطن کلام خداوند نیز به شهادت محسن (ع) پرداخته شده و مفسرین، تفسیر آن را از امام صادق نقل کرده‌اند. به راستی که مفسران واقعی قرآن ائمه اطهار هستند. مفضل می‌گوید: «از امام صادق پرسیدم: مولاجان آیا سؤالی بپرسم؟ فرمود: بپرس. عرض کردم مولای من درباره‌ی فرمایش حق تعالی «وَ إِذَا الْمَوْودَةُ سُئِلَتْ بِهٖ اِی ذَنْبٍ قُتِلَتْ». (تکویر، ۸ و ۹) چه می‌فرمایید: ... فرمود: ای مفضل! آیا عامه می‌گویند که آن درباره جنین از اولاد مردم است که مظلومانه کشته می‌شود؟ ... به راستی که این آیه قرآن فقط مخصوص ما بوده و آن محسن است، چراکه او از ماست و هرکه غیر این را بگوید تکذیبش کنید. (بحار الأنوار، ۵۳، ۲۳؛ فاطمی، ۲۵۴-۲۵۱)

لحظاتی بعد از شهادت حضرت محسن سند و مدرک شهادت ایشان ضبط شده و به خواست خدا محفوظ مانده است. حتی سخنان حضرت زهرا (س) در هنگام سقط محسن، اکنون در اختیار ما قرار دارد و روایات متعددی از ائمه اطهار با سند محکم درباره سقط نقل شده و در بسیاری از کتب اهل تسنن و تشیع آمده است. علاوه بر این‌ها اعترافات عاملان شهادت حضرت محسن نیز در کتب تاریخی و روایی موجود می‌باشد.

۸-۱- خبر شهادت در کلام و وصیت حضرت زهرا (س)

در هدیة الکبری از قول حضرت زهرا (س) آمده است: «پس بر درب خانه ما هیزم جمع کردند سپس خلیفه دوم شلاق را از قنفذ غلام ابوبکر گرفت و با آن به بازویم زد و با پایش به درب لگد زد و درب را به روی من عقب راند و باز کرد و من در آن هنگام باردار بودم درد زایمان به سراغم آمد و محسن را که بی‌گناه کشته شده بود سقط کردم». (خصیعی، ۱۷۸)

مجلسی در بحار الانوار روایتی را از دیلمی در وصیت حضرت زهرا آورده که با روایت قبل، تفاوت اندکی، بیش ندارد و این‌گونه است که حضرت زهرا (س) فرمودند: «خلیفه دوم با لگد چنان ضربه‌ای به در خانه زد که در به شدت به سوی من برگشت و به من خورد و من باردار بودم، من به صورت بر زمین افتادم چنان سیلی به صورتم زد که گوشواره‌ام کنده شد و به کناری افتاد، آن‌جا درد زایمان مرا فرا گرفت و محسن سقط گشت و بدون هیچ جرمی کشته شد ...». (مجلسی، ۳/۳۴۹؛ عاملی، ۶۰۸) اینجا بود که حضرت زهرا (س) به فضا فرمودند: «آه فضا مرا بگیر که به خدا قسم جنین داخل شکم کشته شد». حضرت زهرا

(س) به خاطر ضربه‌ای که به او زدند پی به شهادت محسن بردند و به همین دلیل از فضا که شاهد شهادت حضرت محسن بود کمک خواستند. در روایتی از امام صادق نیز آمده است: «فاطمه (س) بلند بلند می‌گریست و می‌گفت: پدر، وا رسول!... دخترت را می‌زنند... فرزندش را می‌کشند». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹/۵۳-۱۴)

۸-۲ روایات وارده از ائمه معصومین

تاکنون به بعضی از روایاتی که از زبان امامان معصوم (س) جاری شده بود، اشاره کردیم و هم‌اکنون می‌خواهیم به روایت‌های بیشتری در این باب پردازیم و سعی کنیم تمام روایات وارده از ائمه (س) را تا حد توان نقل کنیم. البته روایت از تمام ائمه معصوم موجود نیست، ولی آن چه را که موجود است، حتی الامکان ذکر خواهیم کرد.

ابن عباس دعایی از امام علی آورده که حضرت امیر در قنوت می‌خواندند. گوشه‌ای از این دعا چنین است: «... شکمی که دریدند و جنینی که سقط کردند و...» (عاملی کفعمی، ۵۵۳؛ مجلسی، ۸۲: ۲۶۱؛ کاشانی، ۱۰۹۱: ۷۰۱) حضرت امیر (ع) همچنین در روزی که به زور ایشان را برای بیعت به مسجد بردند در خطبه الغدرة این مسائل را به تفصیل شرح می‌دهند. (کمالی استرابادی، بی تا، ۷۸)

در احتجاج طبرسی آمده که امام حسن فرمودند: «... تو بودی که فاطمه دختر رسول!... را زدی تا مجروح شد و بچه‌اش را سقط کرد...». (طبرسی، ۴۱۴/۱؛ مجلسی، ۱۳۹۴: ۵/۳۲۱) در این روایت از امام حسن، امام عده‌ای از مهاجمین را که عاملان شهادت حضرت محسن بوده‌اند و به نوعی از قاتلان محسوب می‌شوند خطاب قرار می‌دهد و لفظ «تو» را در کلام خود، خطاب به مغیره بن شعبه به نمایندگی از دیگر مهاجمان و عاملان جنایت ایراد می‌دارد. (همان)

روایتی نیز از امام صادق نقل شده که ابن قولویه (۳۶۸) آن را از محمد بن عبدالمطلب بن جعفر حمیدی و او از امام صادق نقل می‌کند که حضرت فرمودند: «جبرئیل به رسول خدا خطاب کرد: و اما دخترت مورد ستم واقع می‌شود... در حالی که باردار است او را می‌زنند... سپس به جهت کوفته شدن، فرزندش را که در شکم دارد فرو می‌اندازد». (ابن قولویه قمی، ۳۳۳؛ شبر، ۱۳۹۴: ۱/۱۸۶-۱۸۴؛ بحرانی، ۱۱/۳۹۸) شیخ مفید (۴۱۳) از امام صادق نقل می‌کند: «...»

فلقی‌ها عمر فقال: ... فرفسها ... فأسقطت محسن» (مفید، ۱۸۵) که اشاره به ملاقات خلیفه دوم با حضرت زهرا دارد و هنگامی که از کنار حضرت عبور کرد و لگدی به حضرت زد که محسن شهید شد. محمد بن تلکبری از امام صادق روایتی این چنین آورده که: «... فاطمه محسن را سقط کرد ...». (طبرسی، ۴۵)

روایتی نیز از امام رضا در اختیار ما قرار گرفته که سید بن طاووس می‌گوید: امام رضا در سجده شکر، دعایی را می‌خواند که چنین بوده است: «اللهم ... بدلاً دینک و غیراً نعمتک ... و قتلاً ابن نبیک ... آی المحسن...» «خداوندا، ... دین تو را دگرگون کردند و نعمت را تغییر دادند ... و سپس پسر پیغمبرت؛ یعنی محسن را کشتند». (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۵۸-۲۵۷؛ عاملی کفعمی، ۵۵۴-۵۵۳)

۹- اعتراف‌های عاملان واقعه

ابوعبید قاسم بن سلام (۲۲۴) در کتاب نفیس خود به نام الاموال که مورد اعتماد فقیهان بزرگ مسلمان قرار است به طور مستند از عبدالرحمان بن عوف نقل می‌کند که می‌گوید: در بیماری خلیفه اول، برای عیادتش وارد خانه او شدم. او پس از گفتگو زیاد به من گفت: آرزو می‌کنم ای کاش سه چیز را که انجام داده‌ام انجام نداده بودم و همچنین سه چیز را که انجام نداده‌ام انجام می‌دادم و آرزو می‌کنم سه چیز را از پیامبر سؤال می‌کردم، اما آن سه چیزی که انجام داده‌ام و آرزو می‌کنم ای کاش انجام نمی‌دادم عبارت‌اند از: ای کاش خانه و حریم فاطمه را کشف نمی‌کردم و آن را به حال خود به وا می‌گذاشتم، هر چند برای جنگ بسته شده بود. (ابوعبید بی‌تا، ۱۹۵) البته ابوعبید در کتاب خود به جای ام‌الکشف بیت فاطمه و ترکته ... می‌گوید: «کذا و کذا و اضافه می‌کند که من مایل به ذکر آن نیستم.» حال چه از روی تعصب بوده یا نه، خدا می‌داند. شاید جو جامعه آمادگی پذیرش واقعیت را نداشته و یا آنکه خوف و خفقان اجازه نقل را نمی‌داده، ولی خوشبختانه محققان در پاورقی آن کتاب، جمله‌های حذف شده را آورده‌اند و در کتاب‌های (ابن سعد، ۱۹۶۸: ۲۷/۸؛ مسعودی، ۱۳۸۵: ۲/۳۰۱؛ طبرانی، ۱/۱۴۰۴: ۶۲؛ ابن منظور، ۱۴۰۲: ۱۳/۱۲۲؛ ذهبی، ۱۴۰۷: ۱۱۸/۳-۱۱۷؛ صفدی، ۱۷/۶؛ هیشمی، ۱۴۱۴: ۲۰۳/۵-۲۰۲؛ متقی هندی، ۱۹۸۹: ۱۵/۶۳۱) فراوانی آن جمله، ذکر شده است. محمد بن جریر (۳۱۰) نیز از ابوبکر نقل کرده است: «دوست می‌داشتم خانه علی را ترک

می‌کردم، اگرچه او آشکارا با من جنگ می‌کرد». (طبری، ۴/ ۲۱۴؛ ابن عبد ربه آندلسی، ۱۴۰۴: ۲۱/۵) شیخ صدوق در معانی الاخبار (صدوق، معانی الاخبار، ۲۰۷-۳۰۵) و علامه مجلسی در بحارالانوار به نقل از شیخ صدوق (مجلسی، ۳۹/ ۴۱-۴۱) نامه‌ای از عمر به معاویه آورده‌اند که خلیفه دوم در قسمتی از آن به معاویه گفته: «... لگد بر دری زدم که فاطمه (س) شکمش را به آن چسبانده بود ... شنیدم که می‌گفت ... آه فضا مرا بگیر که جنین داخل شکم کشته شد ...».

فاضل مقداد سیوری (۸۲۶) در لوامع الهیه کلامی را از خلیفه دوم در زمان مرگش نقل می‌کند: «ای کاش من کاری به خانه فاطمه (س) نداشتم و آن را بازرسی نکرده بودم». (سیوری، تبریز، بی‌نا، ۱۳۱۶: ۳۰۲)

۱۰- محل دفن پاره تن دخت نبی

هیچ یک از منابع معتبر تاریخی و مقاتل به محل دفن حضرت محسن اشاره نکرده‌اند، از شواهد چنین برمی‌آید که وقتی مصیبت حضرت محسن پیش آمد و داغ غمش، بر دل مادر نشست، بانو بدن مبارک محسن را در خانه خود دفن کرد. بدین سبب که در آن احوال ممکن نبود بدن محسن را بیرون ببرند و در بقیع دفن کنند، او را در خانه دفن کردند. اگر حضرت محسن را در قبرستان بقیع (قبرستان عمومی مدینه) دفن می‌کردند حتماً مقتل نویسان و مورخان به آن اشاره می‌کردند، پس عدم اشاره تواریخ به قبر آن حضرت شاید دلیل بر این است که حضرت محسن مخفیانه و در خانه دفن شده است. ملا اسماعیل سبزواری در جامع النورین نقل می‌کند: «بعد از ساعتی فضا آمد در حالی که چیزی را درون پارچه‌ای پیچید و در دست گرفته بود، حضرت فرمود: چه همراه داری؟ عرض کرد: آقای من! فرزندان محسن که شهید شده. حضرت فرمودند که او را در آخر خانه به خاک بسپار». (سبزواری، ۲۰۶) حسین بن حمدان (۳۳۴) نیز روایتی را شبیه این از امیرالمؤمنین نقل می‌کند که پس از شهادت حضرت محسن به فضا فرمودند: «او را در انتهای خانه دفن کن که او به جدش رسول خدا (پیوست)». (خصیبی، ۱۴۱۱: ۴۰۸) در نهایت می‌توان گفت که به احتمال زیاد حضرت محسن در کنار مادر آرمیده‌اند.

نتیجه‌گیری

با توجه به شواهد موجود و گزارشات تاریخی، مجموعه‌ای از ادله‌ها و براهین ارائه شد و مشخص گردید که محسن بن علی ع دارای یک هویت تاریخی است، هویتی که به دلایل گوناگون کتمان شده ولی حذف و نابودی این هویت تاریخی محال است. شواهدی که در نوشته‌های مورخین و در کلام متکلمین و علمای تسن و تشیع در زمان‌های پیشین آمده، انکار وجود و هویت محسن و حتی فرض انکار آن را نیز غیرممکن کرده است. اگر در میان انبوه کتاب‌های نوشته شده، پیرامون زندگی حضرت علی و زهرای مرضیه (س) که به پهنای اقیانوسی بی‌کران است، اندکی رجوع کنیم و شواهد را تورق‌وار بررسی نماییم حقیقت نمایان می‌شود، چون حتی یک لحظه و یک برگ از تاریخ را نمی‌توان پنهان کرد، به ویژه وقتی که آثار، پیرامون یک قضیه بی‌نهایت در طول قرون و ادوار مختلف نگاریده شده و در سراسر عالم پخش گردیده و به هر جویای علم رسیده است. لذا با قاطعیت می‌توان گفت: وجودی به نام محسن از فرزندان زهرا (س) بوده و سقط گردیده است. با بررسی کتاب‌های تألیف شده می‌توان اثبات کرد که محسن کودکی ۶ ماهه (زبیدی، ۱۳۰۶، ۱۲۷) در رحم مبارک حضرت زهرا بوده و پیامبر (قبل از رحلت نام او را محسن نهاده بودند و این کودک ۶ ماهه، ۹ روز بعد از وفات پیامبر؛ یعنی ۷ ربیع الاول سال ۱۱ هجری در ماجرای هجوم به خانه حضرت علی برای گرفتن بیعت از حضرت امیر (ع) و خانواده ایشان، بر اثر ایجاد رعب و وحشت در خانه حضرت علی و ضربه روحی و جسمی به حضرت زهرا (س) در شکم مبارک ایشان کشته شده و سقط گردید و بنابر دلایلی نمی‌توانستند او را در بقیع دفن کنند و فضا به دستور حضرت امیر (ع) او را در گوشه‌ای از خانه دفنش نمود و این چنین است که می‌گوییم محسن شهید است بدون آن که تولدی دنیایی و روز ولادتی در تاریخ برایش ثبت شده باشد. به همین دلیل باید گفت: اولین و کوچک‌ترین شهید آل (طه) و کوچک‌ترین فرزند مولا علی و به راستی که اولین شهید در راه تشیع و دفاع از حریم ولایت علی بن ابی‌طالب، حضرت محسن بن علی است.

کتابنامه:

* قرآن کریم.

- (۱) ابن ابی الحدید، عبدالحمید (۱۴۱۸)، شرح نهج البلاغه، مترجم: فاروق صفی زاده، بیروت: دارالکتب علمیه.
- (۲) ابن اثیر، عزالدین (بی تا). جامع الاصول من احادیث الرسول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- (۳) _____، _____ (۱۴۰۲)، الکامل، بیروت: دار صادر.
- (۴) ابن جوزی، یوسف بن خز علی (۱۳۸۳)، تذکره الخواص، نجف اشرف: مکتب حیدریه.
- (۵) ابن شهر آشوب، ابوجعفر رشیدالدین (۱۳۵۶)، مناقب آل ابی طالب، نجف اشرف: مکتب حیدریه.
- (۶) ابن طاووس، ابوالقاسم (بی تا). الاقبال الاعمال، تهران: دار الکتب علمیه.
- (۷) _____، _____ (۱۴۱۱ هـ)، مهج الدعوات، قم: دار ذخائر.
- (۸) ابن عبد ربّه اندلسی، ابوعمر احمد بن محمد (۱۴۰۴)، عقد الفرید، بیروت: دارالکتب عربی.
- (۹) ابن عطیه، مقاتل (۱۴۱۹)، المناظرات، تحقیق: صالح وردانی، بیروت: الغدیر.
- (۱۰) _____، _____ (۱۴۱۵)، مؤتمر علما بغداد، بیروت: دار الارشاد اسلامی.
- (۱۱) ابن قتیبه دینوری، ابومحمد عبدا... (۱۴۱۳ هـ)، الامامه و السیاسه، تحقیق: علی مشیری، قم: شریف رضی.
- (۱۲) _____، _____ (بی تا). المعارف، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- (۱۳) ابن قولویه قمی، ابوالقاسم (۱۳۵۶)، کامل الزیارات، نجف اشرف: مرتضویه.
- (۱۴) ابن کثیر، عماد الدین، (بی تا). البدایه و النهایه، بیروت: مکتب المعارف.
- (۱۵) ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۲)، مختصر تاریخ دمشق، تحقیق: محمد مطیع، دمشق: دارالفکر.
- (۱۶) ابن هشام، عبدالملک (۱۴۱۱)، السیره النبویه، تحقیق: طه عبدالرئوف سعد، بیروت: دارالجلیل.
- (۱۷) ابوعبید، قاسم بن سلام (بی تا). الاموال، تحقیق: خلیل محمد هراس، دمشق: دارالفکر.
- (۱۸) ابونصر، عمر (بی تا). فاطمه بنت رسول آ...، بیروت: مکتب ابوالنصر.
- (۱۹) اسفرائینی تمیمی، عبدالقاهر (۱۹۹۷ م)، الفرق بین الفرق، ج ۲، بیروت: دار الآفاق الجدیده.
- (۲۰) بحرانی، عبدا... (۱۳۶۳ هـ) لِ عوالم العلوم، قم: موسسه امام مهدی (عج).
- (۲۱) بدخشانی حارثی، حافظ بن محمد (۱۴۰۳ هـ)، نزل الابرار، تهران: بی نا.
- (۲۲) بصری زهری، ابن سعد (۱۹۶۸ م)، طبقات الکبری، بیروت: دارصادر.
- (۲۳) بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۵۹ م)، انساب الاشراف، تحقیق: محمد حمید...، قاهره: دارالمعارف.
- (۲۴) بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۰۵)، دلائل النبوه، بیروت: دارالکتب.
- (۲۵) جوهری، ابوبکر (بی تا). السقیفه و الفدک، محقق: محمدهادی امین، تهران: نینوا الحدیثه.

- ۲۶) جوینی شافعی، ابراهیم بن محمد (بی تا). **فرائد السمطين**، تحقیق: محمدباقر محمودی، بیروت: موسسه محمودی.
- ۲۷) حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا). **اثبات الهداه بالنصوص والمعجزات**، قم: علمیه.
- ۲۸) حسینی بحرانی، سیده اشم (۱۳۹۳ هـ)، **تفسیر برهان**، تهران: دارالکتب علمیه.
- ۲۹) حسینی عاملی، سید تاج الدین (۱۴۱۲)، **التتمه فی تواریخ الائمه**، تهران: بنیاد بعثت.
- ۳۰) حلی، حسن بن مطهر (بی تا). **مستجدات عن کتاب الارشاد**، قم: بصیرتی.
- ۳۱) نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد (۱۴۳۳)، **کشف المراد**، تحقیق: حسن حسن زاده آملی، چ ۱۳، قم: نشر اسلامی جامعه مدرسین.
- ۳۲) _____، (بی تا). **نهج الحق**، قم: دار الهجره.
- ۳۳) حنبلی، ابن عماد (۱۴۰۶)، **شذرات الذهب**، تحقیق: محمد ارناووط، دمشق: دار ابن کثیر.
- ۳۴) خصیبی، حسین بن حمدان (۱۴۱۱)، **الهدایه الکبری**، بیروت: البلاغ.
- ۳۵) خواجویی مازندرانی، محمد اسماعیل (بی تا). **طریق الرشاد**، قم: دارالکتب اسلامی.
- ۳۶) _____، (بی تا). **الرسائل الاعتقادیه**، قم: دارالکتب اسلامی.
- ۳۷) دیلمی، مهیار (۱۳۴۹)، **دیوان مهیار**، قاهره: دارالکتب.
- ۳۸) ذهبی، شمس الدین (۱۴۱۳)، **سیر اعلام النبلاء**، تحقیق: شعیب ارنوط، چ ۹، بیروت: موسسه الرساله.
- ۳۹) _____، (۱۴۰۷)، **تاریخ الاسلام**، تحقیق: تدمری، بیروت: دارالکتب عربی.
- ۴۰) _____، (۱۳۸۲)، **میزان الاعتدال**، بیروت: دارالمعرفه.
- ۴۱) رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۹)، **محسن بن علی**، قم: دلیل ما.
- ۴۲) رحمانی همدانی، احمد (۱۴۱ هـ)، **فاطمه بهجه قلب المصطفی** □، تهران: بدر.
- ۴۳) زبیدی، محمد بن مرتضی (۱۳۰۶ هـ)، **تاج العروس فی جواهر القاموس**، قاهره: الخیریه.
- ۴۴) سبزواری، اسماعیل بن مولی (بی تا). **جامع النورین**، تهران: بی نا.
- ۴۵) سپهر، محمد تقی (۱۳۸۹)، **ناسخ التواریخ**، تهران: اساطیر.
- ۴۶) هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۱۵)، **کتاب سلیم**، محقق: محمدباقر انصاری، قم: الهادی.
- ۴۷) سیوری، فاضل مقداد (۱۳۱۶ هـ)، **اللوامع الالهیه**، تبریز: بی نا.
- ۴۸) شافعی، کمال الدین (بی تا). **مطالب السئول فی مناقب آل ابی طالب**، بی جا، بی نا.
- ۴۹) شبر، سید عبدا... (۱۳۹۴)، **جلاء العیون**، نجف اشرف: مکتب حیدریه.
- ۵۰) شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۴۰۴)، **الملل و النحل**، تحقیق: محمد سیدکیدانی، بیروت: دارالمعرفه.
- ۵۱) صدوق، ابوجعفر (۱۴۰۳ هـ)، **خصال**، قم: نشر اسلامی.
- ۵۲) _____، (۱۳۸۶)، **علل الشرایع**، نجف اشرف: مکتب حیدریه.
- ۵۳) _____، (بی تا). **معانی الاخبار**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- (۵۴) _____، _____ (۱۴۰۰ هـ)، **امالی**، بیروت: موسسه اعلمی.
- (۵۵) صفدی، صلاح‌الدین (۱۴۲۰ هـ)، **الوافی بالوفیات**، تحقیق: احمد ارناووط، ترکی مصطفی، بیروت: دار احیاء التراث.
- (۵۶) صفی‌زاده، فاروق (۱۳۸۹)، **مصائب حضرت فاطمه زهرا (س)**، تهران: پازینه.
- (۵۷) طبری (۱۴۰۷)، **تاریخ طبری**، بیروت: دارالکتب علمیه.
- (۵۸) طبری، محمد بن جریر بن رستم (۱۳۵۶)، **ذخائر العقبی**، قاهره: مکتب القدسی.
- (۵۹) _____، _____ (۱۳۸۳ هـ)، **دلایل الامامه**، نجف اشرف: مکتب الحیدریه.
- (۶۰) _____، _____ (۱۴۱۰)، **نوادر المعجزات**، قم: امام مهدی (عج).
- (۶۱) طبرانی، ابوالقاسم (۱۴۰۴)، **معجم الکبیر**، موصل: مکتب العلوم و الحکمه.
- (۶۲) طبرسی، احمد بن علی (۱۳۸۶)، **الاحتجاج**، نجف اشرف: دارالنعمان.
- (۶۳) طبری، عماد، (بی‌تا). **کامل بهایی**، قم: مصطفوی.
- (۶۴) طوسی، ابوجعفر (۱۳۴۹ هـ)، **تلخیص الشافی**، تحقیق: سیدحسین بحر العلوم، قم: دارالکتب اسلامی.
- (۶۵) عاملی، سیدجعفر مرتضی (۱۳۸۱)، **رنج‌های حضرت زهرا (س)**، ترجمه: محمد سپهری، چ ۲، قم: تهذیب.
- (۶۶) عاملی نباطی، زین العابدین، (بی‌تا). **الصراط المستقیم**، تحقیق: محمدباقر محمودی: [نجف اشرف]: مکتب مرتضویه.
- (۶۷) عاملی کفعمی، تقی‌الدین (بی‌تا). **المصباح**، قم: رضی.
- (۶۸) عسقلانی، ابن حجر (۱۴۰۶ هـ)، **لسان المیزان**، تحقیق: دایره المعارف النظامیه هند، چ ۳، بیروت: موسسه اعلمی.
- (۶۹) عطاردی، عزیزا... (۱۴۱۲ هـ)، **مسند فاطمه (س)**، تهران: عطارد.
- (۷۰) علوی عمری، علی بن محمد (۱۴۰۹ هـ)، **المجدی**، بی‌جا، سیدالشهداء.
- (۷۱) عیاشی، ابوالنضر، (بی‌تا). **تفسیر العیاشی**، بی‌جا، بی‌نا.
- (۷۲) فاطمی، مهدی (۱۳۸۶)، چ ۲، **غنچه یاس**، مشهد: مهدی فاطمی.
- (۷۳) فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰)، چاپ ۲، **کتاب العین**، قم: هجرت.
- (۷۴) قمی، ابوالحسن (۱۳۸۷)، **تفسیر قمی**، بیروت: بی‌نا.
- (۷۵) قمی، عباس (۱۳۸۶)، **منتهی الآمال**، چ ۳، قم: وحدت بخش، تابستان.
- (۷۶) _____، _____ (۱۴۱۲)، **بیت الاحزان**، قم: دارالحکمه.
- (۷۷) قوشجی، علاء‌الدین (۱۳۰۷ هـ)، **شرح التجرید**، [قم]: حجریه.
- (۷۸) کاشانی، فیض (۱۰۹۱)، **علم الیقین**، قم: بیدار.
- (۷۹) کحلایی، محمد بن اسماعیل (۱۳۷۹): **سبل السلام**، چ ۴، قاهره: شرکه مکتبه و مطبعه مصطفی البابی الحلبی و اولاده به مصر.

- ۸۰) کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۷۸ هـ)، کافی، تهران: دارالکتب اسلامی.
- ۸۱) کمالی استرابادی، فتح الله (۱۳۴۶)، **صوارم الحاسمه فی تاریخ الزهرا فاطمه**، نجف اشرف: کتابخانه حسینیة شوشتریها،
- ۸۲) لباف، علی (۱۳۸۸)، **دانش نامه حضرت زهرا (س)**، تهران: منیر.
- ۸۳) _____، _____ (۱۳۸۹)، **مصائب فاطمی**، تهران: منیر.
- ۸۴) متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۹۸۹ م)، **کنز العمال**، بیروت: موسسه الرساله.
- ۸۵) مجلسی، محمدتقی، (بی تا)، **روضه المتقین**، مترجم: حاج حسین کوشان پور، تهران: علمیه.
- ۸۶) مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، **بحار الانوار**، بیروت: موسسه الوفاء.
- ۸۷) _____، _____ (۱۳۹۴)، **مرآة العقول**، نجف اشرف: مکتب الحیدریه.
- ۸۸) مروجی طبسی، محمدجواد (۱۳۸۹)، **دردانه دلداده**، چ ۲، ترجمه: علیرضا کاوند، قم: تبلیغات اسلامی.
- ۸۹) مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۵ هـ)، **مروج الذهب**، بیروت: دار آندلس.
- ۹۰) _____، _____ (بی تا)، **اثبات الوصیه**، قم: بصیرتی.
- ۹۱) مفید، ابو عبدا... (۱۴۱۶ هـ)، **الارشاد**، بیروت: موسسه آل البيت.
- ۹۲) _____، _____ (بی تا)، **الاختصاص**، قم: انتشارات اسلامی.
- ۹۳) _____، _____ (۱۳۸۱ هـ)، **الجمل**، نجف اشرف: مکتب الحیدریه.
- ۹۴) _____، _____ (۱۴۱۳ هـ)، **امالی**، قم: کنگره شیخ مفید.
- ۹۵) مقریزی، تقی الدین، (بی تا)، **الخطط**، بیروت: دارصادر.
- ۹۶) مقدسی، مطهرین طاهر (۱۹۸۸ م)، **البدء و التاريخ**، بیروت: دارصادر.
- ۹۷) مهدی، عبدالزهراء (۱۴۲۱)، **الهجوم**، بیروت: دارالتراث فاطمی.
- ۹۸) ملطی شافعی عسقلانی، محمدبن احمدبن عبدالرحمن، (بی تا)، **التنبیه و الرد علی اهل الاهواء و البدع**، تحقیق: محمد زاهد کوثری، قاهره: مکتبه الازهریه للتراث.
- ۹۹) نمازی، علی (۱۴۱۹)، **مستدرک سفینه البحار**، محقق: حسن بن علی نمازی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ۱۰۰) هیشمی، نورالدین (۱۴۱۴ هـ)، **مجمع الزوائد**، تحقیق: حسام الدین قدسی، قاهره: مکتب القدسی.
- ۱۰۱) یعقوبی، احمد، (بی تا)، **تاریخ یعقوبی**، بیروت: دارصادر.
- ۱۰۲) _____، _____ (۱۳۷۴)، **تاریخ یعقوبی**، ترجمه آیتی، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.